کیهان

درمکتب امام

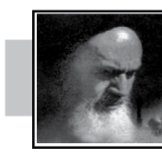

دست همه از اوکوتاه است

انسان، موجود متحرك است؛ از مرتبه طبیعت تا مرتبه غیب، تا فنا در الوهیت. برای صدیقه طاهره این مسـائل، این معانی حاصل اسـت. از مرتبه طبیعت شروع کرده اسـت، حرکت کرده اسـت؛ حرکت معنوی؛ با قدرت الهی، با دست غیبی، با تربیت رسول‌الله(ص) مراحل را طی کرده است تا رسیده است به مرتبه‌ای که دست همه از اوکوتاه است.

صحیفه امام؛ ج۷؛ ص۳۳۸ | قم؛ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸

جامعه را کریمانه اداره کنیم

حضرت امیر(ع) در حکمت ۴۹ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «احْذَرُوا صَوْلَةَ الْكَرِيمِ إِذَا جَاعَ وَ اللَّئِيمِ إِذَا شَبِعَ» بترسید از حمله افراد با شخصیت به هنگام نیاز و گرسنگی و از حمله افراد پسـت به هنگام سیری!؛ فرمود: اگر مردان بزرگ و کریم ـ خدای ناکرده ـ دستشان تهی بشود بخواهند حمله کنند، مثل افراد پست نیستند که با چاپلوسی شکمشان را سیر کنند؛ اینها حمله می‌کنند. اگر ملّتی کریم بود؛ چون کریم برتر از کبیر است، برتر از عظیم است. ما در فارسی ابزار کارمان همین چهار تا لغت است؛ کریم را می‌گوییم بزرگ! کبیر را می‌گوییم بزرگ! عظیم را می‌گوییم بزرگ! دیگر نمی‌دانیم کسی که استخوان و ریشه اصلی دارد، او را باید بگوییم عظیم که دارای عظم و استخوان است. کبیر معنای دیگری دارد.

امکان ارتقاء انسان به مقام برتر از فرشتگان

کریم صفت فرشته‌هاسـت. چون در قرآن هر جا سـخن از کرامت است: (بَلْ عِبادٌ مُكْرَمُونَ * لا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ)؛ بلکه [فرشتگان] بندگانی ارجمندند که در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند و خود به دستور او کار می‌کنند؛ (۱) (بِأَيْدِي سَفَرَةٍ * كِرامٍ بَرَرَةٍ) به دست فرشتگانی والا مقام و فرمانبردار و نیکوکار!؛(۲) کرامت را وصف فرشـته‌ها می‌داند. اگر انسـانی فرشته‌منش بود می‌شود کریم و حرف‌های حکیم سنایی همین بود که فرمود:

تو فرشته شوی ار جهد کنی از پی آنک
برگ توت است بتدریج کنندش اطلس (۳)

همین حکیم سنایی می‌گوید مگر خودت کمتر از مَلَک هستی؟! چرا فرشته نمی‌شوی؟! حرف ایشان این است که در تمام روی زمین ما فرشی گرانتر از ابریشم و اطلس و پرنیان نداریم. اینها را گفت:

سـه نگـردد بـریشـم ار او را
پرنیـان خوانـی و حریر و پرنـد (۴)

همه اسـم ابریشم است. این ابریشم چهار تا برگ توت بود که در سطل زباله می‌انداختند، وقتی رفت مدرسـه و درس خواند و استاد دید و شاگرد کرم ابریشم شد، شده اطلس. حرف حکیم سنایی این است:

تو فرشته شوی ار جهد کنی از پی آنک
برگ توت است بتدریج کنندش اطلس

وقتی این برود مکتب کرم ابریشم و بشود اطلس، ما چرا به مکتب قرآن و عترت نرویم و نشویم فرشته؟» در بیانات نورانی حضرت امیر در نهج‌البلاغه هست که «لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكاً مِنَ الْمَلَائِكَةِ»،(۵) انسـان پاک‌چشم، پاکدست، فرشته است. عزیزانی که در جبهه‌های جنگ شـربت شهادت نوشیدند یا جانباز شدند، بعضی می‌شوند سیّد شهدا، بعضی هم می‌شوند جعفر طیّار. وجود مبارک حضرت امیر فرمود: برادرم که جانباز شد، دو تا دستش را داد، ذات اقدس اله دو تا بال مرحمت کرده، شده جعفر طیار که «يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ»(به وسیله این بال‌ها همراه فرشتگان در بهشت پرواز می‌کند).(۶) پس می‌شود آدم دستی بدهد و بالی بگیرد،اگر فرشته‌ها برای خدمت به انسان می‌آیند و فرّاشی می‌کنند که «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا لِطَالِبِ الْعِلْمِ»(فرشتگان بال‌های خود را به زیر پای طالب علم می‌گسترند)؛(۷) معلوم می‌شود که انسان می‌تواند برتر از فرشته هم باشد.

حضرت هم فرمود اگر کریم گرسـنه شد زیر بار ظلم نمی‌رود. لئیم اگر وضع مالی‌اش خوب شد، آن لئامتش را حفظ می‌کند. فرمود بپرهیزید از یک ملّت کریمی که تحریم اقتصادی بشود و فقر بر او تحمیل بشود، او هرگز تحمّل نمی‌کند. این طور نیست که اگر ـ خدای ناکرده ـ گرانی را بر ملّتی تحمیل کردند که ملت کریم باشد و او تحمل بکند، این طور نیست. ببینید هر تلاش و کوششی که بیگانه می‌کند آن صولت و جلال و شکوه این ایرانی مسلمان شیعه، آنها را پس می‌زند. این خاصیت کرامت اسـت. یک ملّت کریم هرگز از تحریم نمی‌هراسد، یک انسان فرومایه اگر وضع مالی‌اش خوب بشود به هر حال خطر او به دیگران می‌رسد.

رفتار مودبانه و کریمانه، راه ورود به دل‌های مردم

فرمود: «قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحْشِـيَةٌ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ» (۸) (دل‌های انسان‌ها وحشـی و رمنده اسـت، هرکس با آنها انس گیرد رو به سوی او می کنند)؛ ما تا می‌توانیم باید دل‌های مردم را به دست بیاوریم، چون مردم دارای آن صبغه الهی‌اند، دل به دست کسی نیست، طبع مردم را خدا فرمود: (وَ لَقَدْ كَرَّمْنا بَنِي آدَمَ؛ براستی مـا فرزندان آدم را به موهبت عقل و خرد گرامی داشـتیم) (۹) مگر اینکه خودش خودش را پسـت بکند، وگرنه ما او را کریم آفریدیم،ما با مردم کریم باید کریمانه رفتار بکنیم. مهم‌ترین راه پیشـرفت انبیا و اولیا ادب آنها بود. جامعه را ادب اداره می‌کند. گفتار خوب، رفتار خوب، کـردار خوب، نیت پاک؛ فرمود دل‌های مردم، باادب به دست می‌آید.

ضرورت تشکیل مجالس مذهبی برای احیای فرهنگ اهل بیت

وجود مبارک حضرت صادق(ع) فرمود: «تَزَاوَرُوا»؛ شما شیعیان ما هستید به زیارت یکدیگر بروید و یکدیگر را ترک نکنید. چرا؟ «فَإِنَّ فِي زِيَارَتِكُمْ إِحْيَاءً لِقُلُوبِكُمْ وَ ذِكْراً لِأَحَادِيثِنَا»؛ شـما شـیعیان ما هستید وقتی دور هم جمع شدید؛ البته آن احوالپرسی‌هایتان که تمام شد به هر حال کلمات ما را نقل می‌کنید، احادیث ما را نقل می‌کنید. این جمله خبریه‌ای است که به داعی انشا القا شده است؛ یعنی دور هم که جمع شدید حرف‌های ما را نقل کنید. غالب این جمله‌های خبری به داعی انشا نقل شده است؛ یعنی شیعیان ما! وقتی دور هم جمع شدید، نگذارید مجلستان به حرف‌های عادی بگذرد. آیه‌ای، روایتی بخوانید که حرف‌های ما مطرح بشـود. «تَزَاوَرُوا فَإِنَّ فِي زِيَارَتِكُمْ إِحْيَاءً لِقُلُوبِكُمْ وَ ذِكْراً لِأَحَادِيثِنَا»؛ یعنی «أَحْيُوْا أحاديثنا في مجالسكم»، این صرف جمله خبریه نیست؛ بلکه به داعی انشا القا شده است.

حالا که زیارت کردید و احادیث ما را گفتید، احادیث ما چه خاصیتی دارد؟ «وَ أَحَادِيثُنَا تُعَطِّفُ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ»؛(۱۰) عاطفه ایجاد می‌کند، محبت ایجاد می‌کند، رازداری ایجاد می‌کند، ادب ایجاد می‌کند. خاصیت احادیث ما این اسـت.ما یک مَثل داریم که این مَثل حق اسـت، می‌گوییم: «سنگ روی سنگ بند نمی‌شود»! درست هم هست. الآن اگر بخواهند بُرجی، قصری بسازند، سنگ اوّل را گذاشتند سـنگ دوم که روی آن بند نمی‌شود. یک ملات نرم می‌خواهد وگرنه شما سنگ دوم را بگذاری روی سـنگ اوّل می‌لغزد و سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. فرمود احادیث ما و کلمات ما ادب‌آموز است ادب، آن ملات نرم است، آن وقت می‌توانید قصر بسازید. با ملات، قصر ساخته می‌شود نه با سنگ.ادب است که جامعه را اداره می‌کند. انسان ،کریم است و کَرم با ادب آمیخته است.

در زیـارت جامعه کبیره یکی از اوصافی که وجود مبارک امام هادی(ع) برای ائمه(علیهم السلام) و اهل بیت ذکر می‌کند همان وصفی است که خدا در قرآن در سوره «انبیاء» برای ملائکه ذکر کرده است. در سوره «انبیاء»فرمود این ملائکه کسانی هستند که: (لا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ)(۱۱) عمل می‌کنند. وجود مبارک امام هادی در زیارت جامعه کبیر وصف ائمه(علیهم السلام) را همین قرار می‌دهند که اهل بیت کسانی هستند که «لا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ»(۱۲) نه بدون اجازه خدا سـخن می‌گویند، نه بعد از دستور خدا عقب افتاده‌اند، نه جلو می‌زنند، نه دنبال هستند، ما پیرو اینها هستیم. فرمود جامعه را کریمانه باید اداره کنید؛ آن وقت نه طلاق خواهیم داشت، نه دادگاه‌ها خواهیم داشت. آنچه که مشکل ما را حل می‌کند ادب ماست. فرمود مؤدّبانه جامعه را اداره کنید؛ حالا گاهی ضرورتی پیش می‌آید برای اختلافات، حرفی دیگر است سهو و نسیان، آن حرف دیگری است.

فرمود: اگر کسی با الفت و با ادب رفتار کند دل‌های جامعه او را می‌طلبد.

بیانات حضرت آیت الله جوادی آملی (دام ظله)
در جلسه درس اخلاق؛ ۹۷/۹/۲۹

مرکز اطلاع‌رسانی اسرا

۱. أنبیاء، ۲۶ و ۲۷.
۲. عبس، ۱۵ و ۱۶.
۳. سنایی، قصاید، قصیده ۹۰.
۴. دیوان هاتف اصفهانی، ترجیع بند.
۵. نهج البلاغة صبحي صالح، حکمت۴۷۸.
۶. الأمالي (للصدوق)، ص۴۶۳.
۷. الكافي(ط ـ الاسلامية)، ج۱، ص۳۴.
۸. نهج‌البلاغه، حکمت ۵۰
۹. اسراء، ۷۰.
۱۰. الكافي(ط ـ الإسلامية)، ج۲، ص۱۸۶.
۱۱. انبیاء، ۲۷.
۱۲. زاد المعاد ــ مفتاح الجنان، ص۵۱۴.

خوان حکمت روزهای یک شنبه منتشر می‌شود.

جلیلی در گرامیداشت شهدای عملیات کربلای۵:

می‌خواهند با «آلزایمر سیاسی» حافظه تاریخی ملت را از بین ببرند

عضو مجمع تشـخیص مصلحت نظام، تجربه یک ملت را سـرمایه آن دانست و گفت: باید پرسید چه تفکری پیروزی‌ها را به ارمغان آورد و حضور چه تفکری کشـور را دچار مشکلات کرد؟ کسانی می‌خواهند آلزایمر سیاسـی را به ملت تحمیل کنند تا حافظه تاریخی آن را از بین ببرند.

سعید جلیلی در مراسم گرامیداشت شهدای عملیـات کربلای پنـج و یـادواره فرمانده تیپ انصارالرضا(ع)، شهید علی اصغر حسینی محراب که در محل مسجد رضوان کوی طلاب مشهد برگزار شد، گفت: امروز اردوگاه دشمن پس از چهل سال مبارزه با حرکت انقلاب اسلامی، دشمنی خود را عریان‌تر ابراز می‌کند؛ برخلاف روزهایی که مشت آهنین خود را زیر یک دستکش مخملی پوشانده بودند، امروز صریح بیان می‌کنند که هر آنچه در توان داشـته‌ایم و داریم، علیـه ملت ایران به کار رفته و می‌بریم. این اعتراف رئیس‌جمهور سـابق رژیم آمریکا است. حالا دشمن از پیشرفت ملت در عین مقاومت عصبانی است. او از اخراج شدنش از این کشور پس از انقلاب و اخراج شدنش از منطقه بعد از چهل سـالگی انقلاب اسلامی نگران است. دشـمن تمام هزینه‌های خود را فاکتور می‌کند و مقابل خود می‌گذارد و می‌بیند نتوانسته است به اهداف خود برسند.

به گـزارش فارس، عضو مجمع تشـخیص مصلحت تجربه یک ملت را سـرمایه او دانست و تشریح کرد: یکی از سـرمایه‌های ملی ما تجربه ماست. ما اگر موفق بودیم به خاطر چه بوده و اگر دچار مشکل شدیم بخاطر چه تفکری بوده است؟ باید پرسـید چه تفکری پیروزی‌هـا را به ارمغان آورد و حضور چه تفکری کشور را دچار مشکلات کرد؟ کسانی می‌خواهند آلزایمر سیاسی را به ملت تحمیل کنند تا حافظه تاریخی او را از بین ببرند. در محاسـبه هم همینطور اسـت؛ اگر ملتی در محاسبه ثروت‌ها و منابع خود دچار اشتباه بشود، او هم می‌تواند دچار مشکلات شود. عده‌ای در میان ملت ممکن است خدای نکرده وقتی منابعشان از بین رفت، دچار خوشـحالی بشوند؛ وقتی درون تاسیساتشان بتن ریختند، خوشحال بشوند.

وی تصریح کرد: چند سـال پیش در همین مسـجد و به همین مناسبت به این محله آمدم، یـک برادری که بازاری بود نـزد من آمد و اکیدا درخواسـت داشت که برای دفاع از حرم به جبهه سـوریه اعزام شود؛ بعد تر متوجه شدیم که او در سوریه به شهادت رسیده است؛ یکی از مولفه‌های قدرت ملت ما این اسـت. اینکه شهید عزیزی از محله‌ای در مشهد می‌گوید من باید به سوریه اعزام شوم و مقابل دشمن بایستم قدرتی است که دشمن نمی‌تواند در محاسبات خود آن را حساب کند.

جلیلی خاطرنشان کرد: وقتی ما محاسباتی جدای از جنس محاسـبات دشمن داشتیم، این پیروزی‌ها ادامه خواهد داشت. سیستم محاسباتی جدیدی کـه می‌گوید: حسـبنا الله و می‌گوید: «و لاتحسـبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا» تمام تلاش دشـمن این است که در این سیستم محاسباتی اخلال کند و آن را دچار ویروس کند. آن ویروس همان ایجاد شـک و تردید در مبنایی است که هرجا مصاف اراده‌ها بوده، توانسته است او را شکست بدهد.

عضو شورای راهبردی سیاست خارجی کشور با اشاره به تلاش‌های ناکام دشمن در عرصه نظامی ابراز داشـت: دشـمن وقتی نتوانست ملت ایران را در دفـاع از مـرز جغرافیایی خود متوقف کند، سـعی دارد در اقتصاد، مبارزه با بیکاری، مبارزه با آسیب‌های اجتماعی و... نگذارد که تفکری که در عین مقاومت پیشرفت می‌کند نیز پا بگیرد. چرا که می‌داند نتیجه‌ای مشابه شکست در جنگ سخت برایش رخ خواهـد داد. او می‌فهمد اگر این نگاه تکثیر بشود یعنی چه؟ می‌فهمد نباید بگذارد این دستگاه محاسباتی او را شکست بدهد.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: او اقدام به ترساندن می‌کند، اقدام به اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی در دنیا می‌کند و در داخل کشور دست به انقلابی هراسی می‌زند که می‌گوید اگر انقلابیون باشند، کشور دچار مشکلات می‌شود و جنگ رخ می‌دهد! چه کسـی جنگ را از کشور دور کرد؟ همین تفکر انقلابی بود که با واکنش خود کاری کردند که ۳۰ سال است دشمن جرئت نمی‌کند به مرزهای این ملت نزدیک شود. انقلاب با نگران نشدن و نترسیدن به پیروزی رسید؛ این وعده قرآن است که امام بزرگوار ما به آن عمل کرد. نویسنده آمریکایی مقاله می‌نویسد که تمام روسای جمهور آمریـکا امروز با این جمله رهبر ایران موافقند که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.

جلیلی بـا دعوت از جوانان به پاسـخگویی به شـبهات دشـمن پیرامون کارنامه چهل ساله جمهوری اسـلامی، گفت: جوانان به دل شبهات بروند و پاسخگوی سوالات درباره کارنامه چهل ساله نظام اسلامی باشند. نباید از این مسائل عبور کرد؛ باید توضیح داد و روشنگری کرد. مبتنی و مستند بر آمار سازمان‌های خود آن‌ها نیز می‌توان این را ابراز کرد. به همگان نشان بدهید که انقلاب اسلامی چه برکاتی داشته است. تمام ادعای انقلاب آن بوده که به قله‌ها نگاه کند، اگرچه در بسیاری از مسائل هنوز در میانه راه هستیم. این را باید نشان داد اگر جایی فساد یا اخلال بوده است، بخاطر چه بوده؟ بخاطر دوری از تفکر انقلابی. اگر جایی پیشرفت و موفقیت رخ داده بخاطر حضور چه تفکری بوده است؟ تفکر انقلابی بوده یا تفکرهای دیگر؟

در نشست چهلم «شنبه‌های انقلاب» مطرح شد

هر جا رویکرد انقلابی به کار گرفتیم معجزه آفریدیم

نشسـت چهلم «شنبه‌های انقلاب» با عنوان «رشد و تعالی انسانی» در خبرگزاری فارس برگزار شد.

سـید محمد حسینی وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی در این نشست بیان داشت: انسان نباید صرفا به دنبال تامین غرایز باشد اما مکاتب غربی می‌خواهند انسـان را به شهوات و مادیات محدود کنند. به گزارش فارس، وی ابراز داشت: یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی پرورش کسانی است که عشق به خدا دارند. ما ۳۶ هزار دانش‌آموز شهید در انقلاب اسلامی داریم. ما در همه حوزه‌ها توانسته‌ایم انسان‌های مهذب و وارسته‌ای تربیت کنیم و تحویل جامعه دهیم. حسینی با اشاره به رویش‌هـای انقلاب در دوران پس از دوران دفاع مقدس و تربیت شهدای مدافع حرم، اظهار داشت: مـا خود، عبادات و مناجات‌های رزمندگان را در دفاع مقدس شاهد بودیم، اینها از دستاوردهای انقلاب اسلامی است که انسان‌های متوکل به خدا تربیت کرد. ما فناوری انرژی هسته‌ای و صنعت موشکی را در نتیجه تلاش جوانان متعهدی چون شهید طهرانی مقدم به دست آوردیم و در برخی جایگاه‌های علمی در رتبه‌های موفق قرار داریم.

وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی خاطرنشان کرد: راهپیمایی اربعین، موفقیت‌های جوانان ما در المپیادهای جهانی، دستاوردهای نخبگان ما و... همه از دسـتاوردهای انقلاب اسلامی است. وی گفت: در حوزه بانوان، پیش از انقلاب در بسیاری عرصه‌ها اصلا نقشی برای بانوان تعریف نشده بود اما امروز فقط در عرصه کارگردانی سینما دست‌کم ۲۵ نفر را داریم. حسینی اظهار داشت: امروز از نظر دانش آموخته، ایران در رتبه پنجم جهان است، ایران در جایگاه اول باسوادان بالای ۱۵ سال است. امید به زندگی در سال ۲۰۱۶ در ایران ۲۱ سال نسبت به ۱۹۷۹ افزایش داشته است. وی گفت: اگر دشمن امروز از دست ما اینقدر عصبانی است، به این دلیل اسـت که به روحیه انقلاب اسلامی در حال سرایت به دیگر نقاط جهان است.

محمدرضا مرندی، عضو هیئت علمی دانشگاه نیز در نشسـت چهلـم «شـنبه‌های انقلاب» خاطرنشان کرد: ما چند مانع بزرگ پس از پیروزی انقلاب اسلامی داشتیم که یکی از آنها خروج چند ۱۰۰ میلیارد دلار از کشور توسط شاه مخلوع بود. بـه علاوه ۳۰۰ مقام رژیم پهلوی هم در ماه‌های آخر رژیم پول‌های هنگفتی از کشور خارج کردند.

وی افزود: یک مانع دیگر جمهوری اسلامی در مقایسه با رژیم پهلوی، عدم همکاری کشورهای توسـعه یافته با ایران بود؛ به گونه‌ای که تا ایران می‌خواهد با کشوری قراردادی اقتصادی ببندد، فورا آمریکایی‌ها می‌روند سـراغ آن کشـور و با پیشنهادی بالاتر از او می‌خواهند که با ایران قرارداد نبندند. اگر کمک‌های آمریکا به آلمان و ژاپن نبود، مگر این دو کشور می‌توانستند سر از خرابه‌های جنگ دوم جهانی بلند کنند.

عضو هیئت علمی دانشگاه گفت: در جنگ ۱۰ شهر کشور، چند صد روستا ویران شد. به ازای هر سرباز در جبهه، ۹ نفر در پشت جبهه هم درگیر می‌شوند. ۱۱ سـال پس از آغاز جنگ دبیرکل وقت سازمان ملل یادش افتاد که بگوید چه کسی آغازگر جنگ است. جنگ تحمیلی به اندازه ۸۴ سال درآمد نفتی به ما خسارت وارد کرد. ترکیه در کدام مقطع با چنین مشکلاتی مواجه بود؟ کشوری که می‌خواهند آن را به‌عنوان بدیلی برای جمهوری اسلامی مطرح کنند.

مرنـدی اظهـار داشـت: چـرا مـا در سیاسـتگذاری‌های مالی موفـق نبوده‌ایم؟ آن فکری که موشـک نقطه‌زن را می‌سازد، فکری جهادی اسـت، اما فکری که خودرو را می‌سازد، فکر تکنوکرات اسـت. هر جا رویکرد انقلابی را بـه‌کار گرفتیم، معجزه آفریدیم و هر جا که این رویکرد را بر زمین گذاشتیم، ناموفق بودیم. رحیم احمدی روشن، پدر شهید احمدی روشن نیز در این نشست بیان داشت: هرجا مدیر غیر انقلابی روی کار آمده است، کار و پیشرفت کشور متوقف یا منحرف می‌شود و دو دستگی شکل می‌گیرد. این مدیران کسانی نیستند که برای جمهوری اسلامی ایران کار کنند. ما باید بدانیم که اگر اینها انتخاب شوند، جوانانی را که می‌خواهند به جامعه خدمت کنند، ناامید می‌کنند. باید خط و ربط منتخبان‌مان برای ما شناخته شده باشد.

همچنین رحیم مخدومی، نویسـنده حوزه انقلاب و دفاع مقدس در نشست چهلم «شنبه‌های انقلاب» ابراز داشت: حوزه ادبیات دفاع مقدس امروز توانسـته با تکیه بر یک ادبیات بومی، فخر ادبیات در حوزه بین‌المللی باشد. وی گفت: امروز شاهد بیش از ده هزار عنوان کتاب در حوزه دفاع مقدس هستیم و بسیاری هم به ترجمه رسیده اسـت و با همین کتاب‌ها هم می‌شود انقلاب را صادر کرد. محمد حسین ساعی، رئیس‌دانشکده ارتباطات دانشگاه صدا و سیما نیز در این نشست خاطرنشان کرد: انقلاب اسلامی یک انقلاب بدون خشونت بود و بر عکس تئوری‌ها و استراتژی‌های آن روز انقلاب‌ها دعوت به خشـونت نمی‌کرد، از این رو امام خمینی(ره) با ترور شاه مخالفت کردند و گفتند بر فرض که او ترور شود، فرد دیگری به جایش می‌آید.

وی بیان داشـت: انقلاب اسـلامی معنای جدیـدی از عرفان به دنیا معرفـی کرد، چون عرفان را تا آن زمان به معنایی در تضاد با آبادانی دنیا و معادل رهبانیت می‌دانسـتند اما انقلاب اسلامی یک عرفان حماسـی را به دنیا معرفی کرد. رئیس‌دانشـکده ارتباطات دانشگاه صدا و سـیما گفت: زشـت‌ترین پدیده بشری، جنگ است، اما انقلاب اسلامی، دفاع را به عنوان امری مقدس به دنیا شناساند. ساعی تصریح کرد: ما در انقلاب اسلامی اگر به موقعیت و رسالت خود واقف باشیم، می‌توانیم لحظه به لحظه در حال سلوک معنوی باشیم. رئیس‌دانشکده ارتباطات دانشگاه صدا و سیما خاطرنشـان کرد: تربیت و تحویل شخصی مثل علامه سید عارف حسینی در شبه قاره و سید حسن نصرالله در لبنان از سوی انقلاب اسلامی، برای اثبات کارآمدی و ثمربخشی انقلاب اسلامی کافی است.

غبار فتنه جَمَل و نظر اهل بصیرت

سیدابوالحسن موسوی طباطبایی

جنگ جمل در دهم جمادی الاولی سـال ۳۶ هجری قمری بین سپاه کوفه به رهبری امام علی(ع) و لشـکر بصره به هدایت طلحه و زبیر اتفاق افتاد. از آن واقعه دردناک ۱۴۰۴ سـال می‌گذرد. جنگ جمل یکپارچه عبرت اسـت و درس که انگیزه‌ها و اهداف آن، هیـچ‌گاه بوی کهنگی نمی‌گیرد. در مدرسـه این فتنه می‌توان بسیار آموخت تا کمتر اشـتباه کرد. می‌توان از اهداف مسببان آن آگاهی یافت و روش‌هایشان را مرور نمود. می‌توان پی برد زیاده‌خواهی و دنیاطلبی گروهی غفلت‌زده، چطور ملتی را با چالش‌های بزرگ مواجه می‌کند. می‌توان تجاربی‌عظیم آموخت و بصیرت‌افزایی کرد.

فتنه جمل مجموعه‌ای اسـت از دنیاخواهی، طمـع، قدرت‌طلبـی، فریب، حماقـت، زیرکی و نقشه‌های شیطانی و در جبهه مقابل آن، خیرخواهی، کرامات انسانی، عفو و اغماض، بزرگ منشی، آزادگی، مظلومیت و روح بلند عدالت.

ما برای آنکه بتوانیم عبرت‌های روشنی از جنگ جمل بگیریم، به بررسی برخی عوامل مهم که در ایجاد این واقعه بزرگ مؤثر بوده است می‌پردازیم:

۱. قدرت طلبی

جنگ جمل اولین رودررویی مسـلمانان با یکدیگر است پیش از آن، اگر مسلمین در جبهه‌ای قرار می‌گرفتند، حتما جبهه مقابلشـان اهل قبله نبوده است اما برای اولین بار دو لشکر در برابر هم صف‌آرایی کردند که هر دو داعیه حق‌پرستی داشتند. پیامبر اکرم(ص) سال‌ها پیش از وفات خود، وقوع این نبرد را با تعبیر ناکثین(یعنی پیمان‌شکنان) به امیرالمؤمنین(ع) تأکید فرموده بودند.

اما چرا این جنگ واقع شد و ریشه‌های اصلی آن چیست؟

شـاید بتوان بزرگ‌ترین ریشـه این فتنه را دنیاطلبی عاملان آن دانسـت. طلحـه و زبیر در دوره پیامبراکرم خدمات زیادی به اسـلام کردند و جـزء مقرب‌ترین افراد به آن حضرت محسـوب می‌شـدند، آنان جزء معدود کسـانی بودند که در جنگ اُحُد(برخلاف بسیاری از اصحاب که‌گریختند)، مانند پروانه به دور شـمع وجود رسـول‌الله(ص) می‌چرخیدند، شمشـیر می‌زدند و از آن حضرت دفاع می‌نمودند. ولی بر اثـر روی آوردن به دنیا و اشرافیگری کارشان به جایی رسید که علیه خلیفه به حق پیامبر(ص) لشکرکشی کردند.

امیرالمومنین(ع) هرگز از کشـته شدن این دو تن ابراز خشنودی نکرد بلکه برعکس، با دیدن شمشیر زبیر فرمود: این شمشیر بارها اندوه را از چهره رسـول خدا(ص) زدود. و نیز با دیدن جنازه طلحه اظهار داشت: ای ابا محمد! بر من سخت گران است که تو را زیر ستارگان آسمان کشته ببینم.

طلحه و زبیر بـا روی آوردن به رفاه‌زدگی و اندوختن ثروت‌های افسانه‌ای، به شکلی کاملا آشکار، از روح تقوا و تعبد فاصله گرفتند و متأسفانه سرانجام کارشان، به تباهی و شقاوت منتهی گردید.

این دو که نامشـان در اعضای شورای شش نفره به عنوان کاندیدای خلافت آمده بود، اولا پس از قتل عثمان، برای خود سهمی از خلافت قائل بودند و امید داشتند که مردم با آنان بیعت نمایند و ثانیا در صورتی از امیرالمومنین(ع) راضی می‌شدند که ولایت عراق و یمن را به آنان دهد.

۲. فریب

از لـوازم یک حرکت باطـل، فریب و دروغ است. صاحبان فتنه برای پیشبرد اهداف خود، دروغ می‌گوینـد و راه فریب و خدعه را پیش می‌گیرند. اساسا صداقت در حرکت‌های باطل جایگاهی ندارد و جوهره راستی با نیرنگ و فریب، هم سنخ نیست. لذا می‌بینیم در حرکت طلحه و زبیر هم فریب دادن بود و هم فریب خوردن.

آنها هنگامی که از گرفتن امارت ناامید شدند، از امام درخواست کردند که برای انجام عمره به آنان اجازه سفر دهد. امام می‌دانست هدف این دو، ایجاد فتنه است. لذا آنان را نصیحت فرمود. طلحه و زبیر با خوردن سوگند و تجدید بیعت، به امام اطمینان دادند که برای انجام حج، از مدینه خارج می‌شوند. اما هنگامی که به مکه رسیدند، پیمان خود را شکستند و به دروغ مدعی شدند که بیعتشان با امام علی(ع) با اجبار و تهدید بوده است.

یکی از زشـت‌ترین رفتارهای فتنه‌گران در جریان جمل این بود که خودشـان در قتل خلیفه سوم نقش اساسی داشتند اما در مکه اعلام کردند که امام علی در این واقعه دست داشته و اطرافیان او قاتلان خلیفه هسـتند و امام باید آنها را جهت قصاص، تسـلیم نماید. آنان در واقع، فتنه جمل را به بهانه خونخواهی عثمان برپا کردند. امام علی(ع) در این بـاره می‌فرمایند:«وَ إِنَّهُم لَيَطْلُبونَ حقا هُم تَرَكوهُ وَ دَماً هُم سَفَكوه؛ اینان حقی را می‌طلبند که خود، آن را رها کردند و خواهان خونی هستند که خودشان ریخته‌اند.» در واقعه جمل نباید از فریب و خدعه‌های معاویه نیز غافل بود. وی که سرچشمه هر پلیدی و ناراستی است، در نامه‌هایی جداگانه به طلحه و زبیر، مقامشان را ستود و به شایستگی آنان در امر خلافت اعتراف نمود و متذکر شـد که برای آن دو در شـام بیعت گرفته است. آنگاه آنان را در خونخواهی عثمان علیه امیرالمومنین(ع) تشویق کـرد. بدین ترتیب معاویه بدون روبه‌رو شـدن با رقیبان خود در امر خلافت، سعی داشت آنها را در مقابل هم قرار دهد، پیروزی هر رقیبی برای معاویه نیز یک پیروزی محسوب می‌شد.

۳. بهره‌برداری از شخصیت‌های مهم

طلحـه و زبیر برای پیشـبرد اهداف خود، به شـخصیتی تأثیرگذار نیاز داشتند تا بتوانند در شهرهای مختلف با پشتوانه او اعتماد مردم را جلب کرده و سپاهی گرد آورند. آنان برای این مقصود از عایشه که در مکه به سر می‌برد، درخواست کردند که به خون‌خواهی عثمان و انتقام از کُشندگان وی(یعنی امام علی و اصحاب و لشکریان آن حضرت)، با آنان همراه گردد. عایشه بعد از مدتی تأمل پذیرفت. آنان ام‌المؤمنین را بر شتری غول‌پیکر به نام عسکر سوار کردند. امام علی(ع) می‌فرمایند طلحه و زبیر همسران خود را در خانه‌ها پنهان کرده و حرم پیامبر را سوار بر شتر شهر به شهر گرداندند.

امام علیه‌السـلام بعد از پیروزی بر اصحاب جمل با کرامت نفسی بی‌مانند عایشه را عفو نمود و دوازده هزار دینار به وی داد و او را به همراه برادرش محمدبن ابی‌بکر و چهل نفر از زنان بصره که به امر امام لباس رزم مردانه پوشیده بودند، با احترام روانه مدینه نمود.

بعدها عایشه هر گاه روز جمل را به یاد می‌آورد آرزو می‌کـرد که ای کاش هیـچ‌گاه در آن حادثه شرکت نکرده بود.

۴. احزاب گوناگون در کنار هم

گاه آرمان مشترک و خصوصا اهداف دنیایی، باعث می‌شود دشمنانی که تشنه به خون یکدیگرند، در زیر یک خیمه جمع شوند!

امام علی(ع) در نهج‌البلاغه حتی پیوسـتگی طلحه و زبیر را نیز ظاهری دانسـته و می‌فرمایند: هر کدام از طلحه و زبیر امیدوار است که حکومت را به دست آورد و نظر خود را به آن دوخته و رفیق خویش را چیزی به حساب نمی‌آورد.

بنابراین مشخص است که در اردوگاه جَمل، افرادی نظیر سعیدبن عاص، مروان بن حَکَم و مُغیره بن شُعبه که از شجره خبیثه بنی امیه هستند چرا در کنار طلحه و زبیر قرار می‌گیرند و حال آنکه بین آنان تنافر و ضدیت وجود داشته است. هدف مشترک آنها صف‌آرایی در مقابل امام علی(ع) و جنگ و مبارزه با آن حضرت بوده است. و سرانجام نیز در بحبوحه جنگ، مروان با تیری که به سوی طلحه پرتاب کرد وی را از پای در آورد و گفت انتقام عثمان را گرفتم.

۵. پدیده آقازاده‌های منحرف

یکی از شخصیت‌های بسیار مؤثر در شکل‌گیری جنگ جمل وجود عبدالله بن زبیر بود. وی در طول حیات خود ماجراجویی‌های فراوان نموده و دست به تحرکات وسـیعی زده است. اما همواره بر محور باطل چرخیده و از دشمنی با اهل بیت پیامبر(ص) کوتاهی نکرده است. امیرالمؤمنین در روایتی به یک حقیقت تلخ اذعان فرموده اند: مازالَ الزبيرُ رجلاً منّا اهلَ البيت حتّى نَشأَ ابنُه المَشؤوم عبدُالله؛ همواره زبیر مردی از ما اهل بیت محسوب می‌شد تا زمانی که فرزند شـومش عبدالله بزرگ شد. این حدیث نشان می‌دهد که چگونه گاه فرزندان، عامل انحراف و سقوط پدر و مادر خود می‌گردند.

۶. شهادت دروغ

در مسیر کاروان جَمل به سوی بصره، منطقه‌ای پدیدار شد که بانگ سگان آن، آرامش کاروانیان را بر هم زد. عایشـه که درون هودجی بر روی شتر قرار داشـت پرسید این مکان چه نام دارد؟ گفتند نامش «حَوئَب» است. عایشه ناگاه به یاد سخن رسول خدا(ص) افتاد که روزی آن حضرت همسران خود را پرهیز داده بود از اینکه سگ‌های حوئب بر آنان پارس کنند. حتی رو به عایشـه فرمودند: مبادا تو آن زن باشی!

عایشـه ام‌المؤمنین با یادآوری این خاطره، از ادامه راه انصراف داد و قصد بازگشـت نمود. اما دستگاه باطل همیشه ترفندهایی برای مبارزه با حق و حقیقت دارد. بدین ترتیب طلحه و زبیر (و به روایتی عبدالله بن زبیر) اظهار داشتند که این منطقه حوئب نیست آنگاه پنجاه نفر از قبیله بنی عامر را آوردند که شهادت دهند و سوگند بخورند که طلحه و زبیر حرفشان صحیح است و این منطقه حوئب نیست. گفته می‌شود این اولین شهادت دروغ در اسلام بود که تأثیری فاجعه بار در سرنوشت اسلام داشت.

۷. التباس باطل به حق

هیچـگاه باطـل، عریـان در صحنه حاضر نمی‌شود زیرا سریعا شناخته و رسوا می‌گردد بلکه در لباس‌های حق و حقیقت و به شـیوه‌ای موجه و آبرومنـد ظاهر می‌گردد. افراد بی‌بصیرت در این گونه موارد دچار شـک و تردید شـده و گاه باطل را به عنوان شـیوه درست برمی گزینند. در جریان جنگ جمل، شخصی سخت در تردید قرار گرفته بود؛ یک طرف امیرالمومنین و اصحاب بزرگوارش و طرف دیگر عایشه همسر پیامبر و طلحه و زبیر با آن همه سوابق درخشان! چگونه می‌توان باور کرد که یکی از این دو گروه بر باطل باشد؟!

چون راه به جایی نبرد نزد امیرالمؤمنین(ع) آمد و عرض کرد آیا ممکن اسـت زبیر و طلحه و عایشـه بر باطل باشند؟ شهید مطهری از قول طه حسین دانشمند نابینای مصری می‌گوید امام پاسخی داد که بعد از خاموش شدن وحی، سخنی محکم‌تر و بالاتر از این گفته نشـده است! امام فرمود هان! مبادا خطا کنی «إن الحق و الباطل لا يُعرفان بأقدار الرجال. إعرف الحق تعرفْ أهله و إعرف الباطل تعرفْ أهله.» یعنی حق و باطل را با شخصیت افراد نسنج! به عبارت دیگر مگو فلان سخن حق است چون از دهان فلان شـخصیت بزرگ بیرون آمده یا فلان روش درست است چون انسانی با سوابق درخشان آن را انجام داده است. امام این تفکر را رد می‌کند و می‌فرماید ابتدا حق و باطل را بشناس آن گاه افراد را با آن بسـنج و چیزی را ملاک حق و باطل قرار مده مگر خودِ حق و باطل را.

و سـعادتمند کسانی بودند که دست از امام خویش نکشـیدند و هرگز تردیدی در پیروی از او به خـود راه ندادند. فتنه‌ها همواره زاد و ولد دارند و دشـمن پیوسته بیدار اسـت. راستی سهم ما از بصیرت‌افزایی چقدر است؟

نگاهی به دیروزنامه‌های زنجیره‌ای

برجام، نوزاد مرده بود

سرویس سیاسی ـ

تصمیم داشتیم اعتبارنامه هاشمی را رد کنیم که انصراف داد! خبرگان با فضای مجازی قهر و آشتی دارند یا مدعیان اصلاح‌طلبی دوقطبی‌ساز و کاسب‌کارند؟ توافق هسته‌ای فقط پرستیژ کوتاه‌مدت داشت، اروپا با رودربایستی از برجام حمایت می‌کند، برجام باخت - باخت بود اما آنها بیشتر باختند! واکنش اعتماد به نوع برخورد سخنگوی وزارت خارجه با خبرنگار کیهان و گسترش وعده‌ها به جای انجام وعده قبلی! از جمله مطالب دیروز مطبوعات زنجیره‌ای بود.

روزنامه اصلاح‌طلب قانون دیروز در یادداشتی با عنوان «رودربایستی به نام توافق هسته‌ای» نوشت: «توافق هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ از همان روز هجدهم اردیبهشت ۱۳۹۷ که دونالد ترامپ رسما در مقابل رسانه‌ها برگه خروج از برجام را امضا کرد، در واقع پایان یافت. واکنش‌های جمهوری اسلامی ایران از همان دقایق ابتدایی تا امروز اگرچه عقلانی و منطقی بود اما یک بازیگر هوشمند در ساختار نظام بین‌الملل همه برگ‌های خود را رو نمی‌کند... برجام یک نوزاد مُرده بود چرا که ارزش‌هایی که به آن بها می‌داد با انگیزه‌های لازم برای پیاده‌کردن آن در تضاد بود. البته این سخن به معنای آن نیست که ما نباید پای میز مذاکره می‌رفتیم یا نباید توافق می‌کردیم... و این توافق هم برای پرستیژ بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در کوتاه‌مدت موثر بود.»

اروپا با رودربایستی از برجام حمایت می‌کند

این روزنامه زنجیره‌ای در ادامه با اشاره به رفتار اروپایی‌ها در قبال برجام نوشت: «ایالات متحده آمریکا هم برای اروپایی‌ها مهم‌تر است و همچنان درهم تنیده‌اند که منفک شدن این دو که مجموعا کنار همدیگر بیش از ۳۳ هزار میلیارد دلار از ظرفیت GDP دنیا را در اختیار دارند، در واقع غیرممکن است. باید بپذیریم که بازار و تمام اقتصاد ایران در مقابل این دو غول اقتصادی یعنی اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا بسیار ناچیز است و اروپایی‌ها که علاقه‌مند هستند هم پُز تعهد به توافق‌های بین‌المللی و هم پُز دموکراسی‌خواهی و دیپلماسی محور بودن تصمیمات‌شان را به جامعه بین‌الملل عرضه کنند، نمی‌توانند چشم بر روابط اقتصادی با آمریکای ترامپ ببندند، به ویژه آنکه ترامپ برخلاف فضاسازی‌های رسانه‌های رقیب او در آمریکا، هنوز رئیس‌جمهور محبوبی است و اگر امروز انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود حتما با آرای الکترال بیشتری وارد کاخ سفید می‌شود، به همین خاطر کنار آمدن با ترامپ احتمالا هشت‌ساله، اولویت اروپایی‌هاست.»

برجام باخت – باخت بود اما آنها بیشتر باختند!

این روزنامه اصلاح‌طلب در پایان این یادداشـت تصریح کرد: «... در صورت خروج [ایران] از برجام همه هزینه‌ها در سبد آمریکا و اروپا خواهد بود و به سادگی می‌تواند به موقعیت بهتری نسبت به قبل در حوزه توانمندی، دانش و تکنولوژی هسته‌ای دست یابد، خیلی در خروج از برجام بی‌میل نیست و به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران هم با رودربایستی به ادامه برجام تن داده است. به هرحال اگر هر دو طرف را برنده بازی برجام بدانیم که نگارنده معتقد است ایران برنده‌تر بود، قاعدتا بازنده نیز هر دو طرف هستند اما طرف مقابل بازنده‌تر است.»

گویی همین دیروز بود که اصلاح‌طلبان و شبکه زنجیره‌ای رسانه‌های منتسب به این جریان با فتح‌الفتوح‌نمایی از برجام، یک هیاهوی بزرگ رسانه‌ای به پا کردند و با تیترهایی همچون «فروپاشی تحریم»، «صبح بدون تحریم»، «تحریم‌ها به تاریخ پیوست»، «تحریم‌ها هم رفت»، «اینک بدون تحریم»، «پیروزی تدبیر بر تحریم»، «خلاص شدیم، سلام بر ایران بی‌تحریم»، «سپیده دمید»، «تحریم تمام شد» و... نه تنها از این توافق هسته‌ای حمایت تام و تمام کردند، بلکه با تبلیغات سیاسی و وعده‌فروشی نیز سعی کردند که افکار عمومی را آنچنان نسبت به توافق هسته‌ای امیدوار سازند که هیچ کارشناسی نتواند درباره این برنامه انتقاد کند. اما این روزها که دستشان خالی است از ادله و مدارکی که نشان دهد توافق هسته‌ای دستاورد ملموس و محسوسی را برای جامعه ایرانی به همراه داشته، به جای عذرخواهی از ملت و تلاش برای جبران این خسارت محض به تحریف و تقلیل اهداف آن روی آورده‌اند.

تصمیم داشتیم اعتبارنامه هاشمی را رد کنیم که انصراف داد!

نماینده اصلاح‌طلب مجلس ششم در گفت‌وگویی با روزنامه آرمان به اختلافات میان مرحوم هاشمی رفسنجانی و جریان اصلاح‌طلـب در طـول دهه هفتاد و پس از آن پرداخته و به هـدف این جریان برای رد اعتبارنامه آن مرحوم در انتخابات مجلس ششم اشاره کرد!

در بخشی از این گفت‌وگو آمده است: «جریان چپ و آقای هاشمی، زمانی درست در مقابل هم قرار داشتند. نمی‌توان منکر این تقابل تاریخی بود، اما فکر می‌کنم این تقابل از زمان مجلس سوم و پس از فوت امام راحل رخ داد و آقای هاشمی رئیس‌جمهور شدند. بعد از رحلت حضرت امام(ره) به‌طور کل جریان چپ به محاق رفت که با دوره ۸ ساله ریاست‌جمهوری آقای هاشمی متقارن بود. در دولت اول برخی تکنوکرات‌ها که وابسته به جریان چپ بودند، در کابینه حضور داشتند اما در دوره دوم این افراد کنار گذاشته شدند. مجموعا در آن ۸ سال تقابل وجود داشت و از مجلس ششم آغاز نشده بود. اتفاقا در مجلس ششم، کارگزاران که مدافع آقای هاشمی بودند، در کنار جریان اصلاحات قرار داشتند و حتی در مجلس پنجم هم کارگزارانی‌ها که پیش از جریان دوم خرداد شکل گرفته بودند، دارای فراکسیون بودند. به نظرم از مجلس پنجم و ششم به بعد، فاصله هاشمی با اصلاح‌طلبان کمتر شد اما در مجموعه جریان اصلاحات، مخالفت‌های بسیار جدی هم با ایشان وجود داشت که گاها تشدید می‌شد. اتفاق شاخص مهمی که در مجلس ششم روی داد، بحث جابه‌جایی رأی دو نماینده در تهران بود... آقای هاشمی هم نفر سی‌ام شد که بعد انصراف داد. یعنی این مسئله نقطه برجسته‌ای بود که قابل بررسی است. در این رویداد بیش از ۵۳۰ صندوق در تهران باطل شد.

بعدها از آقای تاجزاده شنیدم که ایشان گفت با افرادی که تحلیل آماری انجام می‌دادند مشورت کرده که با چه هدفی می‌توان این تعداد صندوق را ابطال کرد که مشخص شد هدف کمک به ورود آقای هاشمی به مجلس ششم نبود. در آن فضا این اتفاق رخ داد آقای هاشمی با یک تحلیل درست، انصراف دادند.»

وی افزوده است: «انتقادات تندی به آقای هاشمی شد که ما همیشه این نقد را به خودمان (جریان اصلاحات) داریم. قبول داریم که نقدهای تندی شد اما از سوی تمام این جریان نبود، بلکه چون در ذیل جریان اصلاحات نقدها به هاشمی انجام شد، نمی‌توان مسئولیت آن را نپذیرفت. اما بین تندروی‌ها و برخی مقالات و نوشته‌ها تفاوت وجود دارد. اما به لحاظ تاریخی که راست‌ها (اصولگرایان) به آن دامن زدند بحث رد اعتبارنامه آقای هاشمی از سوی نمایندگان دوم خردادی بود که نهایتا آقای هاشمی انصراف دادند و کار به عدم تایید اعتبارنامه‌اش نرسید؛ اصولگرایان این بخش را برجسته کردند که آقای تاجزاده بهترین شاهد این قضایاست.»

گفتنی است، مدعیان اصلاحات در طول بیش از دو دهه گذشته سیاست‌های گوناگونی را نسبت به مرحوم هاشمی رفسنجانی در پیش گرفته‌اند، روزگاری او را عالیجناب سرخ پوش و ناکام انتخابات مجلس ششم می‌خواندند، در دوره دیگر هاشمی پدر معنوی اصلاح‌طلبان شد و امروز در حالی که روحانی آن مرحوم را در یک سخنرانی به عرش رساند خبرگزاری دولتی در مصاحبه‌ای با موسوی خوئینی‌ها اتهامات فراوان ولی تکراری را به وی منتسب می‌سازد تا مشخص شود مثلث اعتدال، کارگزاران و اصلاحات امروز به بن‌بست رسیده و تکلیف خود را با آنچه به بار آورده نمی‌داند!

مدعیان اصلاحات کینه‌ای قدیمی و فراموش نشدنی از مرحوم هاشمی رفسنجانی به دل دارند که هرگز نیز این کینه پاک نخواهد شد، آنها هاشمی را عامل اصلی دوری خود از قدرت می‌دانند و معتقدند او بود که چپ‌ها را از نهادهای اجرایی و تقنینی نظام حذف و دیگران را جایگزین کرد.

گفت‌وگوی موسوی خوئینی‌ها با ایرنا که بخش دوم آن در «روزنامه سازندگی» منتسب به کارگزاران منتشر شد موید این کینه قدیمی اسـت، خوئینی‌ها خود پس از وفات امام(ره) به دنبال آن بود که رئیس‌قوه قضائیه شـود و زمانی که به این هدف نرسید در دیدار با هاشمی رفسنجانی که در خاطرات سال ۱۳۶۸ وی قابل رویت و پیگیری است، نسبت به این موضوع اظهار گلایه کرد، خوئینی‌ها انتظار داشت که هاشمی رسیدن خوئینی‌ها به این جایگاه را تسهیل کند ولی به هر ترتیب نشد یا نتوانست، اطلاعی از آن در دست نیست.

روزنامه سلام ارگان مرکزی مجمع روحانیون مبارز در طول دهه هفتاد به ارگانی در جهت مخالفت با دولت تبدیل شد و البته هاشمی نیز با رسانه‌های متعددی که در اختیار داشت به گزارشات و هجمه‌های سلام پاسخ می‌گفت.

این تعامل کج دار و مریز همراه با هجمه‌های گاه و بیگاه ادامه یافت تا به خرداد ۱۳۷۶ و انتخابات ریاست‌جمهوری رسید، با سر کار آمدن دولت اصلاحات فرصتی تاریخی دست اصلاح‌طلبان افتاد که هر چه کینه انباشته شده از هاشمی داشتند بر سر او آوار کرده و انتقام خود را بگیرند.

این انتقام‌گیری در انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی به اوج خود رسید و اصلاح‌طلبان که بعدها هاشمی را پدر معنوی خود ساختند، حتی او را در لیست انتخاباتی خود قرار نداده و به تعبیر فرزند آن مرحوم در انتخابات تهران دست بردند تا هاشمی موفق به ورود به بهارستان نشود.

واکنش اعتماد به نوع برخورد سخنگوی وزارت خارجه با خبرنگار کیهان

سردبیر اعتماد دیروز در ستون «نگاه روز» این روزنامه نوشت: «تفاوت دیدگاه باعث نمی‌شود که برخورد سخنگوی وزارت خارجه را با خبرنگار کیهان تایید کنیم یا با سکوت و رضایت چه بسا خنک شدن دل، از کنارش بگذریم. با همه احترامی که برای [آقای] ظریف و آقای قاسمی قائلم، صریح و بی‌مجادله می‌گویم که خبرنگار کیهان به نمایندگی از روزنامه منتقد دولت، حق دارد از سخنگو سؤال کند، زورش برسد او را بپیچاند، در حین سؤال نقدش کند و از آقای قاسمی توقع جواب منطقی و بی‌شائبه و بی‌طعنه داشته باشد.»

در بخش دیگری از این یادداشت آمده است: «... اتفاقا به نفع کشور و حتی به نفع سیاست خارجی است که در محفل سـخنگو، همه صداها شـنیده شود و همه گرایش‌ها بتوانند بی‌لکنت سؤال کنند و احتمالا نقدهای گزنده خود را در دل سؤالات بگنجانند. ضمن اینکه اگر طعنه زدن وارد ادبیات پاسخگویی شود، به دیگر عرصه‌ها نیز سرایت می‌کند و مجال گفت‌وگو را از بین می‌برد. خصوصا برای دولتی که داعیه‌دار گفت‌وگوست، قبیح است که خبرنگار کیهان را به یک چشم دیگر ببینند و از طرح سؤال او و ولو در دل ابراز ناخرسندی کند.»

بهرام قاسمی سخنگوی وزارت خارجه در نشست خبری اخیر خود با اصحاب رسانه در پاسخ به سؤال خبرنگار کیهان مبنی بر اینکه «در ماه‌های اخیر ۵ دیپلمات ایرانی از اروپا اخراج شده و یک دیپلمات ایرانی نیز حدود ۶ ماه است که به صورت غیرقانونی بازداشت شده است. فکر نمی‌کنید که این انفعال وزارت خارجه در تاریخ دیپلماسی بی‌سابقه است؟!» گفته بود: خیر! من چنین تصوری ندارم. با شما و تیترهای روزنامه شما هم موافق نیستم.

مجرم امنیتی و حامی تحریم‌های آمریکا در جلسه شورای شهر تهران چه می‌کند؟!

مجیـد توکلی که در فتنـه ۸۸ حین فرار با لباس زنانه دستگیر شده و یکی از افرادی است که خواستار تحریم ملت ایران شده بود اخیرا به یکی از جلسات شورای شهر تهران درخصوص آلودگی هوا رفته و در این جلسه شرکت کرده است!

به گزارش فارس، مجید توکلی فردی اسـت که در تاریخ ۱۶ آذر سال ۸۸ در جریان تجمع غیرقانونی جمعی از فتنه‌گران در دانشگاه امیرکبیر در حالی که از لباس زنانه برای فرار استفاده کرده بود دستگیر شد.

مجید توکلی در ۳۰ دی ۱۳۸۸ از سـوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی به جرم اجتماع و تبانی علیه نظام و تبلیغ علیه نظام به هشت سال و شش ماه حبس تعزیری، ۵ سال محرومیت از فعالیت سیاسی و ۵ سال ممنوعیت از خروج از کشور محکوم شد.

براساس اطلاعات موجود این فرد در تاریخ ۲۹ مهر ۱۳۹۲ با قرار وثیقه از زندان آزاد شد.

به تازگی این فرد در یکی از جلسـات برگزار شـده در شـورای شـهر تهران و مرتبط با موضوع آلودگی هوا شرکت کرده است.

توکلی فردی اسـت که مدت حبس خود را گذرانده اسـت اما به هر تقدیر یک سابقه‌دار محسوب می‌شود و باید پرسید آیا در میان جوانان این مرز و بوم افرادی دارای تخصص مجید توکلی و فاقد سوءسابقه امنیتی برای حضور در جلسات تخصصی وجود ندارند.

گفتنی اسـت مجید توکلی در صفحه شخصی خود در توئیتر از تحریم و فشار به مردم ایران استقبال می‌کند بعد شـهرداری تهران از او دعوت می‌کند تا برای کاهش آلودگی هوا ایده بدهد!